



ترجمه: مظفر ترابی

## صورت جلسه مذاکرات بین دلیو. ای. هریمن با نخست‌وزیر مصدق و کلنل والترز وزارت امور خارجه Memcon، کاملاً سری ۱۶ ژوئیه ۱۹۵۱\*

در ژوئیه ۱۹۵۱ رئیس‌جمهور ترومن نماینده ویژه‌ای به نام دلیو. ای. هریمن را به ایران اعزام نمود تا بن‌بست روابط بین ایران و بریتانیای کبیر را از میان بردارد، زیرا مقامات ایالات متحد آمریکا از این هراس داشتند که این واقعیت به زودی موجب متوقف شدن عملیات استخراج نفت کشور شود و این اتفاق زمینه‌ساز فروپاشی کلی اقتصادی ایران شده و راه رسیدن کمونیستها به قدرت را هموار نماید. این صورت‌جلسه مذاکرات بین هریمن و نخست‌وزیر مصدق نمونه‌ای از اسناد فراوانی در خصوص مأموریت هریمن است که اینک در آرشیوهای ایالات متحد آمریکا نگهداری می‌شود.

---

\* این سند در تاریخ بهمن ۱۳۷۸ بنا به درخواست حقوقی آرشیو امنیت ملی وابسته به دانشگاه جورج واشنگتن، از مجموعه اسناد طبقه‌بندی‌شده وزارت امور خارجه آمریکا آزاد شده است.



THE FOREIGN SERVICE  
OFFICE OF THE  
UNITED STATES OF AMERICA

DEPARTMENT OF STATE

~~TOP SECRET~~

Retain class.  Change class. to \_\_\_\_\_  
 With concurrence of \_\_\_\_\_

MEMORANDUM OF CONVERSATION

Place: Sahebgaranieh Palace, Shiraz  
Date: July 16, 1951, 5 p.m.  
Present: Mr. A. Harriman  
Prime Minister Mosadeq  
Colonel Walters

After the usual exchange of amenities and the telling of a long humorous story by Dr. Mosadeq, Mr. Harriman said that he had talked over the political aspects in the morning with Dr. Mosadeq and had been pleased to have that opportunity. He presented Dr. Mosadeq with a personal letter from President Truman. Dr. Mosadeq expressed his great pleasure at receiving this letter and asked if he could have it published in the press. Mr. Harriman said that he had no objection. Mr. Harriman then said the whole question involved a great deal more than merely an oil settlement. It was a time during which the free world should remain united. We in the United States had in the past had our difficulties with the British but by sitting down and discussing the disagreements in a friendly manner we had always been able to work out some solution. He would like to hope that the same would be possible between the Iranians and the British. He said that the British were going through a particularly difficult period of readjustment after a long time during which they had been paramount in the world. This was not an easy psychological adjustment for them to make. He was sure Dr. Mosadeq would realize how important it was for the whole free world that there be understanding and good relations between the United States and Great Britain. Dr. Mosadeq said he realized that this was most important. Mr. Harriman said that he hoped similar good relations could exist between Iran and Great Britain; that an amicable solution was in the interest of all.

Dr. Mosadeq stated that the British had said that they accepted the principle of a form of nationalization but that he felt there were no forms of nationalization; there was only one single form. He said that in 1920 the British had signed a treaty with the Iranians. In Article 1 of the treaty Britain recognized the independence of Iran, Article 2 said that the Iranian Army "under the supervision of the British would...", and Article 3 said that the Iranian finance minister under the supervision of the British advisor would... This showed that the only place where

~~TOP SECRET~~

CONFIDENTIAL



## وزارت امور خارجه ایالات متحد آمریکا

صورت جلسه مذاکرات

مکان: کاخ صاحبقرانیه، شمیران

تاریخ: ۱۶ ژوئیه ۱۹۵۱، ساعت ۵ بعد از ظهر

حاضران: دلبیو. ای. هریمن - نخست وزیر مصدق - کلنل والترز

پس از تعارفات معمول و بیان یک داستان بلند فکاهی از طرف مصدق، آقای هریمن گفت که صبح همان روز با مصدق جنبه های سیاسی را مورد بحث قرار داده است و از اینکه این فرصت را به دست آورده است، خوشحال است. او سپس نامه خصوصی شخص رئیس جمهور ترومن را به مصدق تسلیم نمود. مصدق خوشحالی بسیار خود را از دریافت این نامه ابراز داشت و پرسید که اشکالی ندارد آن را در مطبوعات منتشر سازد؟ هریمن در پاسخ ابراز داشت که او اعتراضی نسبت به این امر ندارد. سپس هریمن گفت که کل قضیه خیلی بیش از حل و فصل صرف مسئله نفت است. اکنون زمانی است که جهان آزاد می بایستی متحدتر باقی بماند. ما در ایالات متحد آمریکا هم با دولت انگلستان مشکلاتی داشته ایم، ولی با مذاکره دوستانه در مورد اختلافات، ما همیشه قادر بوده ایم نوعی راه حل را پیدا نماییم. او علاقمند است که همین شیوه برای حل اختلاف انگلستان و ایران نیز در پیش گرفته شود. او افزود که انگلیسی ها پس از یک دوران شکوفایی در جهان، دوران به ویژه سختی را برای تطابق خود با موقعیت جدید طی می کنند. این یک تطابق روحی ساده برای آنها نخواهد بود. او مطمئن است که دکتر مصدق درک می کند که برای جهان آزاد چقدر مهم است که بین آمریکا و بریتانیای کبیر تفاهم و روابط حسنه حاکم باشد. دکتر مصدق در پاسخ گفت که درک می کند که این رابطه مهمترین رابطه است. آقای هریمن افزود که او امیدوار است همین نوع رابطه حسنه بین انگلستان و ایران موجود باشد، تا یک راه حل دوستانه که به نفع همه باشد



به دست آید. دکتر مصدق بیان داشت که انگلستان گفته است که آن کشور شکلی از ملی کردن را به عنوان اصل قبول کرده است، ولی او احساس می‌کند اشکال مختلفی از ملی کردن وجود ندارد، فقط یک نوع ملی کردن وجود دارد. او گفت که در سال ۱۹۲۰ انگلستان عهدنامه‌ای را با ایرانیان امضا کرده است. در ماده ۱ عهدنامه، انگلستان استقلال ایران را به رسمیت شناخته است. ماده ۲ می‌گوید که ارتش ایران تحت نظارت انگلستان ... و ماده ۳ می‌گوید که وزیر مالیه ایران تحت نظارت انگلستان ... این نشان می‌دهد که تنها جایی که انگلستان استقلال ایران را به رسمیت شناخته است، ماده ۱ عهدنامه است و نه هیچ کجای دیگر. و این حالا اصل مسئله است. انگلستان نمی‌خواهد اصل ملی شدن را بپذیرد. ایرانی‌ها هرگز راه‌حلی را که مواد نه‌گانه اجرای قانون ملی شدن را نپذیرد، مورد پذیرش قرار نخواهند داد. او به آقای هریمن پیشنهاد کرد طرحی را فرمول‌بندی و به انگلیسی‌ها ارائه و موافقت آنها را کسب کند.

آقای هریمن در پاسخ گفت او نمی‌تواند چنین کاری را انجام دهد. او به عنوان یک واسطه به اینجا نیامده است بلکه بیشتر به عنوان دوست هر دو طرف این اختلاف در اینجا حضور دارد. دکتر مصدق در پاسخ گفت او و مردم بسیار از حضور هریمن در ایران خوشحالند و از ابتکار عمل رئیس‌جمهور ترومن در اعزام ایشان سپاسگزارند و افزود که به ویژه این مهم است که استقلال ایران مورد احترام واقع شود تا همسایه شمالی ایران هم به همان ترتیب مجبور به احترام به آن باشد. او گفت که اگر آرمانهای ایرانیان به رسمیت شناخته نشود خطر جدی نفوذ کمونیسم در ایران وجود خواهد داشت. بریتانیا نمی‌تواند این را تحمل کند و لذا مجبور است با ایران معامله‌ای بکند. هریمن پاسخ داد که این شکستی برای کل جهان آزاد و نوعی خودکشی برای ایرانی‌ها است و منجر به انهدام کشورشان خواهد بود. دکتر مصدق سپس اظهار داشت که انگلیسی‌ها همیشه با ایران در یک رابطه نابرابر و مبتنی بر قوی و ضعیف رفتار کرده‌اند و نه بر اساس تساوی طرفین. آقای هریمن در پاسخ گفت که مهمترین مسئله امنیت است که اساس تساوی طرفین پذیرفته شود. او احساس می‌کند که اگر حقوق دوستان در این مسئله بر اساس تساوی طرفین بررسی شود، به نوعی رضایت دو طرف به دست خواهد آمد. دکتر مصدق در پاسخ گفت آنچه ایرانیان می‌خواهند انجام دهند فروش نفتشان و دریافت



بهای آن است. آنها می‌خواهند به صورت مردمی جلوه‌گر شوند که چیزی برای فروش دارند و می‌خواهند آن را بدون دخالت یک قدرت خارجی که همواره در امور داخلی آنها دخالت کرده است، بفروشند. این نحوه عمل خطرناک است، زیرا زمینه را برای دخالت سایر کشورها فراهم می‌کند و اگر این دخالت‌ها ادامه یابد «صلح جهانی در خطر خواهد بود». ایرانی‌ها نمی‌خواهند با شرکت نفت انگلستان و ایران و یا دولت انگلستان معامله کنند.

دکتر مصدق گفت که او با حضور کارشناسان خارجی مانند سویسی‌ها، سوئدی‌ها، بلژیکی‌ها، آلمانی‌ها و یا اتباع هر کشور بی‌طرف دیگر در هیأت مدیره نفت موافق است. آنها می‌توانند چنین حضوری را بپذیرند تا انگلیسی‌ها از سوءمدیریت ایرانی‌ها شکایت نداشته باشند. ایرانی‌ها حاضرند با کشورهای خارجی قراردادهای بلندمدت بر اساس مقدار نفتی که در سه سال اخیر از ایران خریده‌اند، منعقد نمایند و تأمین نفت را برای آنها به قیمت‌های جهانی تضمین نمایند. آنها می‌توانند ۲۵٪ درآمدهای نفت خود را در یک بانک به ودیعه بگذارند تا خسارات ناشی از ملی شدن تأسیسات صنعت نفت را از محل آن پرداخت نمایند.

آقای هریمن در پاسخ گفت که در این مسئله عوامل بسیاری درگیر هستند که ماوراء مسئله نفت هستند. این برای امنیت کل جهان آزاد اهمیت دارد که روابط دوستانه بین ایران و انگلستان حاکم باشد؛ به همان ترتیب که امیدوار است بین آمریکا و ایران این‌گونه روابط برقرار باشد. سپس هریمن از دکتر مصدق پرسید که آیا او صلاح می‌داند رئیس‌جمهور ترومن از انگلستان بخواهد وزیر امور خارجه خود را در زمان حضور هریمن در ایران به کشور شما بفرستد. البته مذاکرات بین ایرانی‌ها و انگلیسی‌ها خواهد بود، ولی در صورت حضور هریمن می‌تواند سه‌جانبه هم باشد. به این ترتیب، شاید مذاکرات مفیدتر باشد. او فکر می‌کند در این صورت می‌توان به راه‌حلی رسید که نیازهای سیاسی اساسی برای احترام کامل به استقلال ایران را برآورده سازد؛ دخالت در امور داخلی ایران از هر نوع را متوقف سازد و مسئله نفت را به شکل شرافتمندانه، دوستانه و محترمانه‌ای حل و فصل نماید. آقای مصدق در پاسخ گفت بهتر است اول آقای هریمن پیشنهادی بدهد و پس از قبول ایرانی‌ها، آن موقع وزیر امور خارجه



انگلستان می‌تواند بیاید. ولی اگر وزیر امور خارجه انگلستان اول بیاید و موافقتی حاصل نشود خیلی بد و خطرناک خواهد بود. آقای هریمن در پاسخ گفت همان‌طور که او پیشنهادی نخواهد داد که مورد قبول ایرانی‌ها نباشد، نمی‌تواند پیشنهادی دهد که برای انگلیسی‌ها غیرقابل قبول باشد و آنها را به کاری مجبور کند که مایل به انجام آن نیستند. ولی اگر همه طرفهای قضیه در اینجا جمع باشند، پیشرفت امور آسانتر خواهد بود.

دکتر مصدق پاسخ داد که او فکر نمی‌کند که این فکر مفید باشد. انگلیسی‌ها ملی کردن صنعت نفت را نمی‌پذیرند. او به سفیر انگلستان و آقای جکسن گفته است که قوانین ایران خواهان آن است که ایرانی‌ها مالکیت کامل بر تأسیسات نفتی داشته باشند. انگلیسی‌ها نمی‌خواهند این حاکمیت را بپذیرند. آنها هنگامی راضی خواهند بود که انگلیسی‌ها ملی شدن صنعت نفت را بپذیرند. آنها حاضرند ۲۵٪ درآمد نفت خود را در بانکی بسپارند، البته در صورتی که کمپانی نفت انگلستان و ایران حساب درآمدها را هر ۱۵ روز یک‌بار به آنها بدهد. پس از این، آنها می‌توانند مسئله پرداخت غرامت را بپذیرند و هیئت انگلیسی و آقای موریسون<sup>۱</sup> را دعوت نمایند. ایشان پیشنهاد داده بود ضمانتی برای ادامه تولید نفت داده شود. انگلستان قبلاً یک هیئت به تهران اعزام داشته است. این هیئت پیشنهادی را ارائه کرده بود. ولی چه پیشنهادی؟ بر اساس این پیشنهاد، انگلیسی‌ها ۱۰ میلیون پوند به ایرانی‌ها می‌پرداختند و هر ماه سه میلیون پوند. پس از آن ایرانی‌ها باید «خفه شوند و ساکت باشند». اگر شرکت نفت انگلستان و ایران کلیه درآمد نفت خود را در سه ساله اخیر به ایران پرداخت می‌کرد، درآمدی که ایرانی‌ها دریافت می‌کردند به ۵۰ میلیون پوند می‌رسید. انگلیسی‌ها یک پیشنهاد مشخص داده بودند به این صورت که شرکت نفت انگلستان و ایران منحل شود و منافع خود را به یک شرکت ایرانی واگذار کند و این شرکت نیز منحل شده و منافع را به یک شرکت انگلیسی دیگر تحویل دهد. این دقیقاً همان روالی است که قبلاً برقرار بوده است.

آقای هریمن سپس گفت که او نمی‌تواند باور کند که ایرانی‌ها بخواهند انگلیسی‌ها را تحقیر کنند. مهم این است که این اتفاق نیفتد. دکتر مصدق گفت چنین چیزی از ذهن

۱. آقای موریسون وزیر امور خارجه وقت انگلستان بوده است - م.



ایرانی‌ها هم نمی‌گذرد.<sup>۱</sup> هریمن سپس گفت از آنجا که ایرانی‌ها می‌خواهند در بازارهای جهانی نفت حضور داشته باشند، مهم این است که راهی پیدا کنند تا جریان نفت ادامه یابد و حل و فصل نهایی قضیه را به زمان دیگری موکول نمایند. این کار از تراژدی بسته شدن میدانهای نفتی و پالایشگاهها و ازهم‌پاشیدگی سازمان فنی نفت که بازسازی آن بسیار دشوار خواهد بود و زمان درازی را طلب می‌کند، جلوگیری خواهد نمود. او پیشنهاد کرد که آنها بر روی مسائل تفکر کنند. دکتر مصدق با این موضوع موافقت کرد. آقای هریمن گفت او علاقمند است با سفیر (Grady) صحبت کند و به کارشناسان نفت اجازه دهد که آنها نیز نظرات خود را بیان دارند. پذیرفتن یک راه‌حل میانه به آنها زمان خواهد داد تا با یکدیگر مذاکره کنند و یک راه‌حل نهایی را بیابند تا هر دو طرف را از مشکلات اقتصادی در ایران نجات دهد و سهم ایران را در بازار نفت حفظ نماید. او مشتاقانه آرزومند است که چنین راه‌حلی به دست آید. دکتر مصدق سپس یک ضرب‌المثل ایرانی را در خصوص انگلیسی‌ها نقل کرد: روزگاری یک نفر انگلیسی می‌خواست خانه‌ای بخرد. فروشنده از فروش خانه خودداری کرد. در این وقت مرد انگلیسی پیشنهاد اجاره خانه را داد، ولی صاحب‌خانه این پیشنهاد را هم رد کرد. آنگاه مرد انگلیسی تقاضای منزل کردن در یک اتاق را کرد. و وقتی در اتاقی منزلی کرد، دیگر صاحب‌خانه نتوانست او را بیرون کند. اگر ایرانی‌ها با انگلیسی‌ها موافقت‌نامه‌ای امضاء کنند دیگر نمی‌توانند آنها را مجبور به خروج نمایند. مردم ایران چنین راه‌حلی را هرگز قبول نخواهند کرد. حتی اگر چاههای نفت خشک شوند، آن را به چنین راه‌حلی که برای ایران خطرناک است ترجیح می‌دهند. آقای هریمن در پاسخ گفت اگر چاههای نفت خشک شوند، این برای ایران یک فاجعه خواهد بود و سالها طول خواهد کشید تا مجدداً عملیات استخراج آغاز شود. دکتر مصدق گفت ترجیح می‌دهد چاههای نفت خشک شوند تا اینکه نفت غارت گردد. او گفت که او مشکلات فراوانی را برای بیرون کردن شرکت نفت انگلستان و ایران تحمل کرده و حتی سلامت و زندگی خود را به خطر انداخته است تا این کار را انجام دهد.

۱. منظور این است که ایرانی‌ها هم نمی‌خواهند انگلستان تحقیر شود - م.



آقای هریمن سپس پرسید آیا او مخالف یافتن راه‌حلی است که منافع ایران را محفوظ دارد؟ دکتر مصدق جواب داد که همه آنچه ایرانیان می‌خواهند فروش نفت خود و دریافت قیمت آن است. آقای هریمن گفت که به عنوان یک دوست می‌اندیشد حل و فصل قضیه نفت به نفع همه است. دکتر مصدق سپس گفت برای ادامه جریان نفت، کاری که باید انجام شود این است که همه درآمد نفت به حکومت ایران پرداخت شود. آنها هرگز با حکومت انگلستان و یا شرکت نفت انگلستان و ایران معامله‌ای انجام نخواهند داد؛ هرگز، نه برای تولید و نه برای بهره‌برداری. آنها می‌توانند تنها در توزیع نفت شریک باشند، آن‌هم بر اساس تأمین نفت برای کشورهای خارجی بر مبنای مقداری که در سه سال اخیر از ایران خریداری نموده‌اند. ایرانی‌ها حتی حاضرند قراردادهای بلندمدت در این خصوص منعقد نمایند. آقای هریمن گفت ایرانی‌ها بالاخره بایستی با یک کسی مذاکره کنند. به نظر دکتر مصدق باید با چه کسی مذاکره کرد؟ دکتر مصدق گفت آنها با متخصصین انگلیسی به صورت انفرادی، اگر بخواهند در ایران بمانند، مذاکره خواهند کرد. ایرانی‌ها علاقمند به انعقاد همان قراردادهایی که انگلیسی‌ها با آنها امضا کرده‌اند می‌باشند تا متخصصین ایرانی تربیت شوند. هریمن پاسخ داد که این متخصصین در ایران نمی‌مانند، مگر اینکه قراردادی منعقد شود که مورد تأیید حکومت انگلستان باشد. دکتر مصدق پاسخ داد اگر آنها نمانند ما به اندازه کافی کادر فنی داریم که نفت را استخراج کنیم و اگر ۱۰٪ تخفیف بدهیم، می‌توانیم نفت خود را بفروشیم. ایران تقاضاهای زیادی برای خرید نفت دریافت کرده است. هریمن پاسخ داد که این نفت قابل فروش نیست، زیرا شرکت‌های توزیع نفت تانکرها و پالایشگاهها را در کنترل دارند. مصدق پاسخ داد که بسیاری از خریداران گفته‌اند می‌توانند تانکر خود را بفرستند و نفت را ببرند. این از معامله با شرکتی که تقریباً چیزی به ایران نمی‌پردازد بهتر است. آنچه آنها داده‌اند در مقاصد استراتژیک به مصرف رسیده است.

دکتر مصدق پیشنهاد کرد که هریمن پیشنهادی به او بدهد. هریمن گفت زمانی در زندگی پیش می‌آید که شخص باید احساس و عقل را به هم درآمیزد. فضای ایران اینک هیجان‌زده و ملتهب است و در انگلستان نیز همین اتفاق افتاده است. او نبایستی اجازه





دهد که این وضع ادامه پیدا کند. مردم انگلستان و شرکت نفت انگلستان و ایران احساس می‌کنند که ایرانی‌ها با آنها دوستانه رفتار نمی‌کنند و در اصل، آنها را با تپیا بیرون کرده‌اند. این موقعیت خطرناکی برای کل جهان آزاد است. شما یک سیاستمدار هستید (دکتر مصدق رضایت‌آمیز نگاه کرد) و این مسئله مهمی برای سیاستمدار است که احساسات را مهار کرده و عاقلانه رفتار کند. دکتر مصدق جواب داد که ایرانی‌ها نمی‌خواهند انگلستان را تحقیر کنند و کسی در ایران احساساتی نیست، بلکه نمی‌خواهند از ثروت ملی خود محروم شوند، زیرا آنها احساس می‌کنند این درآمد می‌بایستی در راه رفاه ملی و بهبود شرایط زندگی مردم بسیار فقیر این کشور به کار برده شود. آقای هریمن گفت که او با خود پیشنهادی نیاورده است. او این مسئله را با سفیر (Grady) مطرح، و در تاریخ دیگری راجع به آن صحبت خواهد کرد. او احساس می‌کند که اگر راه‌حل قابل قبولی با مدت زمان مشخص به دست آید، می‌تواند متخصصین را در اینجا نگه دارد و مسائل را به روشی دوستانه با حکومت انگلستان در زمان به دست آمده حل و فصل نماید.

دکتر مصدق گفت این موضوع را سخت‌تر هم می‌کند. ما با شرکت نفت انگلستان و ایران معامله نمی‌کنیم، چگونه می‌توانیم با حکومت انگلستان معامله کنیم. ما هرگز با حکومت انگلستان معامله نخواهیم کرد. آقای هریمن پرسید پس با چه کسی معامله می‌کنید. مصدق جواب داد تنها با متخصصین. هریمن جواب داد این کار عملی نیست. در ایالات متحده آمریکا حکومت تلاش نمی‌کند خودش صنایع نفت را مورد بهره‌برداری قرار دهد و برای این کار یک شرکت بازرگانی مورد نیاز است. در ایران نیز یک شرکت ایرانی لازم است تا این کار را انجام دهد، نظارت دولت را عملی کرده و منافع حکومت را حفظ کند. رئیس‌جمهور ترومن احساس می‌کند که ایران به متخصصین و سازمان آنها نیاز دارد. با استفاده از ضرب‌المثل خود مصدق در مورد انگلیسی‌ها شما می‌توانید یک خدمتکار را به خانه‌تان دعوت کنید تا دستورات شما را انجام دهد. در بعضی مراحل کسی باید منافع انگلستان را نمایندگی کند که بتواند در خصوص ترتیبات برای بهره‌برداری و توزیع اقدام کند.

دکتر مصدق پاسخ داد او هیچ سازمانی را نمی‌خواهد مگر متخصصین را به صورت جداگانه. آقای هریمن خاطر نشان ساخت که شرکتهای بزرگ نفتی تانکرها و توزیع نفت



را کنترل می‌کنند. ایرانی‌ها لازم نیست با مصرف‌کنندگان تماس داشته باشند، بلکه این‌کار از طریق توزیع‌کنندگان عملی می‌شود و پس از چنین رفتاری، آنها به ایران باز نخواهند گشت. مصدق پاسخ داد که اگر ایرانی‌ها ۱۰٪ تخفیف دهند، همه برای خرید نفت خواهند آمد. نفت کالایی است که همه آن را می‌خواهند. این کالا «طلای سیاه» است. تانکرها مسلماً برای حمل آن خواهند آمد و او این را نشان خواهد داد. آقای هریمن، همچنان که قبلاً هم خاطر نشان کرده بود، نمی‌توانست باور کند که ایرانی‌ها نظر او را قبول ندارند که نفت مانند طلا نیست و نمی‌تواند مورد احتکار قرار گیرد. نفت زمانی با ارزش است که مورد استفاده قرار گیرد. این مهم است که از آن استفاده و بهره‌برداری منظم انجام شود تا مردم ایران حداکثر استفاده را از آن بنمایند و نیازهای خود را برآورده سازند. آنها نبایستی از رسیدن به سطح استاندارد زندگی بهتر محروم شوند. دکتر مصدق آنگاه از هریمن پرسید چرا از حکومت انگلستان نمی‌پرسد که چرا نمی‌تواند ببیند حکومت ایران کار تولید نفت خود را خود به دست گرفته و درآمد آن را در راه صلح و پیشرفت ملت خود به مصرف می‌رساند. اگر ایرانی‌ها این منابع را نداشته باشند ناامنی و آشوب باقی می‌ماند و به کمونیستها اجازه می‌دهد که کشور را به دست بگیرند. آقای هریمن پاسخ داد او این را به رسمیت می‌شناسد، ولی کشور ایران در خطر است.

دکتر مصدق دوباره گفت چرا ایرانی‌ها را رها نمی‌کنند تا درآمدهای خودشان را به دست گیرند. او مجدداً پیشنهاد خود را تکرار کرد که یک قرارداد بلندمدت با انگلستان منعقد کند تا نفت آن کشور را بر اساس خرید سه سال آخر تأمین نماید. تا آنجا که تولید مطمئن نظر است، او با همه پیشنهادهای آقای هریمن در خصوص به کارگیری متخصصین خارجی برای تولید و برای شرکت در هیأت مدیره موافق است. او انگلیسی‌ها را به عنوان کارمندان دولت ایران می‌پذیرد، نه به عنوان مأموران دولت انگلستان. او خوشحال خواهد بود که اتباع کشورهای کوچک بی‌طرف را در هیأت مدیره بپذیرد تا انگلیسی‌ها، ایرانیان را متهم به سوءمدیریت و نیز خصومت نسبت به انگلیسی‌ها ننمایند و نتوانند بگویند که در زمان مدیریت ایرانی‌ها نفت کمتری در مقایسه با زمان مدیریت شرکت نفت انگلستان و ایران تولید می‌شود. آنها با کارمندان انگلیسی



قراردادهایی مشابه قراردادهای آنها با شرکت نفت انگلستان و ایران منعقد خواهند کرد.

آقای هریمن اظهار داشت که خوشحال است که آقای لوی (Levy) با کارشناسان نفت دکتر مصدق مذاکره می‌کند. رئیس‌جمهور ترومن اعتقاد دارد که ایرانی‌ها به انگلیسی‌ها برای تولید و توزیع نفت احتیاج دارند و احساس می‌کند که باید به گونه‌ای عمل شود که حقوق ایرانی‌ها را به نحو متقابل تأمین کرده و آنها را از اقدامات مداخله‌جویانه خارجی در امور داخلی‌شان - که به نظر دکتر مصدق در گذشته انجام می‌شده است - مصون دارد. این شیوه ایرانی‌ها را قادر خواهد کرد کاملترین منفعت را از منابع خاک خود به دست آورند. اگر اصل منافع متقابل مورد قبول واقع شود، کاری انجام خواهد شد. ایرانی‌ها نیازمند آنند که کسی نفت آنها را به درآمد مورد نیازشان تبدیل کند. دکتر مصدق پاسخ داد که ایرانی‌ها علاقمند به معامله با کسی هستند که برایشان خطر ایجاد نکند. ایران در موقعیت سختی است و اگر آرمانهای ملی ملت ایران مورد احترام واقع نشود صلح جهانی در خطر خواهد بود. آقای هریمن پاسخ داد که مسلماً آرمانهای ملی مورد احترام واقع خواهد شد، ولی رئیس‌جمهور ترومن امیدوار است که ایرانی‌ها با بریتانیایی‌ها مانند دوست رفتار کنند. انگلیسی‌ها نباید مورد تحقیر قرار گیرند. دکتر مصدق مجدداً گفت که در افکار حکومت ایران تحقیر انگلیسی‌ها مطرح نیست. ایرانی‌ها می‌خواهند با حکومت دیگری معامله کنند. ایران بی‌پول است، چیزی ندارد و باید زندگی کند، ولی به دلیل شرایطی که انگلیسی‌ها بر این کشور تحمیل کرده‌اند نمی‌تواند زندگی نماید.

دکتر مصدق گفت که در جلسه صبح او پیشنهاد کرده بود که آقای هریمن به آبادان برود و شرایط را در آنجا ملاحظه نماید، ولی از آن موقع تاکنون متوجه شده است که بایستی از پیشنهادش صرف‌نظر کند. او دیگر نمی‌خواهد که هریمن به آبادان برود. آقای هریمن پرسید چرا، و دکتر مصدق پاسخ داد که آیا شما نام ماژور «ایمبری» را شنیده‌اید که سی سال پیش در وسط تهران کشته شد؟ هریمن گفت او قبلاً هم به مأموریت‌های خطرناکی رفته است. دکتر مصدق گفت که تعدادی از مردم ایران از آمدن آقای هریمن به ایران خوشحال نیستند. آقای هریمن از آقای مصدق و از مهمان‌نوازی ایشان تشکر کرد و



افزود هرگاه از حضور او در ایران خوشنود نیست به او اطلاع دهد تا ایران را ترک نماید. دکتر مصدق برآشفته شد و به آقای هریمن گفت که شخص او از حضور آقای هریمن در ایران خیلی خوشحال است و ایشان از سوی مردم ایران مورد احترام هستند. آقای هریمن دوباره گفت علاقمند است دکتر مصدق در مورد مسئله فکر کند و اجازه دهد آقای لوی و کارشناسان ایرانی با هم ملاقات کنند. او خود سفیر گریدی را ملاقات خواهد کرد و موضوع را بیشتر مورد بحث قرار خواهد داد. دکتر مصدق بار دیگر از ملاقات با آقای هریمن ابراز خوشحالی کرد و گفت مردم ایران می‌دانند آمریکایی‌ها دوستان آنها هستند و از اینکه رئیس‌جمهور، آقای هریمن را به ایران فرستاده است خوشحال هستند. آقای هریمن از دکتر مصدق پرسید که در مصاحبه با رسانه‌های جمعی آیا او می‌تواند به عملکرد دکتر مصدق در سال ۱۹۴۴ در پیشنهاد یک قانون به مجلس برای جلوگیری از دادن امتیاز بهره‌برداری از یک معدن به روس‌ها در شمال ایران اشاره کند؟ دکتر مصدق پاسخ داد او ترجیح می‌دهد آقای هریمن این کار را نکند، زیرا با این کار روس‌ها را تحریک می‌کند. سپس آقای هریمن اظهار داشت این ماجرا را در مصاحبه با رسانه‌ها مطرح نخواهد کرد و مصدق اظهار داشت این طور بهتر خواهد بود.